

گفتگوی صبا با داوود فتحعلی بیگی کارگردان و امیر آزاد روستا بازیگر نمایش درو گبر و یک قرص نان

# کاتار سیسی، تجربه با هم دید

سمیه نجفی خاتونی  
گفت و گو

نمایش «درو گبر و یک قرص نان» به نویسندگی و کارگردانی داوود فتحعلی بیگی از یکشنبه ۳۰ بهمن به مدت ۲۰ شب اجرای خود را در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر آغاز کرد. در این اثر نمایشی که یکی از نمایش‌های اجرا شده در چارچوب چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر بود حمیدرضا معدنکن، امیر آزاد روستا، فاطمه رضاخانی، محمد رضانی، کیانوش حاتمی، ساغر نوروزی، محمد حاج محمدی، مصطفی خدابنده‌لو، علی صابر، آرش اعظمی، ثنا آزاد روستا، امیر علی بهاری به عنوان بازیگر حضور دارند. خبرنگار صبا درباره این نمایش با داوود فتحعلی بیگی نویسنده و کارگردان این نمایش و همچنین امیر آزاد روستا بازیگر و دستیار هنری نمایش به گفتگو نشست است که در ادامه می‌خوانید.

داوود فتحعلی بیگی:

در سگ کشی بهرام بیضایی غفلت کردم

**تئاتر درو گبر و یک قرص نان اثر نمایشی است به قلم خودتان، در مورد نام نمایش توضیح دهید.**

این نمایش از سه قصه تشکیل شده است، اولی قصه یک در، دومی یک زرتشتی (گبر) که به دنبال درمان بیماری خود است و سومی قصه دزد دیده شدن یک قرص نان است. در ادامه این سه قصه در هم تنیده شده به صورت موازی روایت می‌شوند تا در نهایت در نقطه گره گشایی به هم می‌رسند. در این میان نان به نسبت اینکه از مهم‌ترین دغدغه‌های نیاز عموم مردم است بار دراماتیک پیدا کرده و این سه روایت را به هم پیوند می‌دهد.

**این اثر نمایشی را چه زمانی نوشته بودید؟**

۲۰ سال پیش این نمایشنامه را برای جشنواره تئاتر رضوی نوشته بودم که در همان سال هم در جشنواره شرکت دادم. برای اجرای عموم آن اقدام نکرده بودم که امسال ضمن حضور این نمایش در چهل و یکمین تئاتر فجر، اجرای عموم آن هم میسر شد. این قصه زمانش به گذشته برمی‌گردد اما مفاهیمی را در برمی‌گیرد که ما به‌ازای امروزی‌اش را در عصر حاضر شاهد هستیم. در نگارش آثار تاریخی نویسنده باید توجه داشته باشد که داستانش مربوط به هر دوره‌ای که هست باید یک مابه‌ازای امروزی داشته باشد. با این رویکرد اگر در همان دقایق اولیه، تعلیق و گره‌داستان افکنده شود انتظار در مخاطب برای دنبال کردن ماجرا ایجاد می‌شود.

**چه مدت زمانی صرف تمرین و آماده‌سازی این اجرا شد؟**

حدود ۲ ماه در ۴۰ جلسه تمرین کردیم. این نمایش به سفارش ستاد فجر کار شد که ترجیح دادیم بعد از جشنواره نمایش را به اجرای عموم بگذاریم که پرونده کار بسته شود.

**آیا ستاد جشنواره، به شما نمایشی با درون‌مایه مذهبی و دینی سفارش داده بودند؟**

خیر، کوروش زارعی در ابتدا از من نمایشنامه‌ای از خودم را به نام پوستین وارونه سفارش داده بود که موضوع آن درباره حوادث جنگ جمل و امام علی بود، منتها این نمایشنامه بسیار پرهزینه و پر بازیگر بود و امکان آماده شدن آن در مدت زمان مانده به جشنواره میسر نبود. این نمایشنامه حداقل سه ماه تمرین مستمر با روزی حداقل ۵ ساعت زمان را می‌طلبید که شرایط برای این کار فراهم نبود.

**البته با همین رویکرد موضوعی نمایشی با عنوان ایرانیان اثر رضا صابری در جشنواره تئاتر فجر اجرا شد، که اصلاً رضایت بخش نبود؟**

بنده موفق به دیدن این نمایش نشدم، البته نظرات دوستانی که این نمایش را دیدند به شما نزدیک بود و برای من بسیار تعجب آور است، چرا که رضا صابری در کارگردانی تئاتر مسلط و دارای سابقه درخشانی است.

**چهل و یکمین دوره تئاتر فجر را با توجه به عموم نمایش‌هایی که در این دوره اجرا شد، چطور دیده‌اید؟**

موفق به دیدن تمامی اجراها نشدم، یکی از اجراها به نام مامور خیابان ۹۲ که اتفاقاً نویسنده نمایشنامه‌اش خودم بودم به قدری ضعیف و زیر خط آماتوری کارگردانی شده بود که من خودم به عنوان نویسنده این متن اصلاً این کار را نپسندیدم، طوری که حتی یک جمله از آن را متوجه نشدم و برایم عجیب بود که اصولاً این تئاتر با این کیفیت بسیار نازل با چه معیار و سنجشی به بخش ویژه جشنواره راه پیدا کرده است؟ نمایشی دیگری هم از استان

البرز دیدم. این نمایش هم با اینکه نتیجه یک کار گروهی حرفه‌ای بود اما متأسفانه قصه بسیار سستی داشت. نمایشی دیگر هم که با کارگردانی هادی کیانی از اصفهان بود به همین ترتیب یک قصه ناپخته داشت که کارگردان سعی کرده بود با بزک کردن‌های اضافی ضعف‌های نمایشی اثر را بپوشاند و در کل بیشتر آثاری که من دیدم هیچ امتیاز ویژه دراماتیکی برای حضور در جشنواره نداشتند. البته چند کار خوب هم بوده که از نظر من بهتر بود این جشنواره با آثار کمتر اما آبرومندانه‌تر برگزار می‌شد. مثلاً به جای ۵۰ نمایش، ۲۰ اثر با کیفیت‌تر انتخاب می‌شد.

**با توجه به اینکه این جشنواره ماحصل یک سال کوشش تئاتر ایران است، آیا عدم حضور پیشکسوتان و بزرگان نمایشی ایران در عرصه تئاتر در چندین سال اخیر، نمی‌تواند باعث این مسئله باشد که با جشنواره این چنینی روبرو هستیم؟**

بله اما باید توجه داشت که امروزه امکاناتی در اختیار هنرمندان است که در گذشته نبود. کارگاه‌های آموزشی، کتاب و فیلم همه و همه منابعی هستند که برای هنرمند می‌توانند در این زمان تاثیرگذار باشند، اما با این وصف کار تئاتر یک امر مستمر است اگر هنرمند در مدت زمانی به هر دلیلی از صحنه نمایش فاصله بگیرد متأسفانه در بازگشت مجدد کار آبی گذشته را نخواهد داشت. این مسئله گریبانگیر حرفه‌ای‌های این هنر هم هست. یک بخش دیگر این مسئله

به دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها برمی‌گردد که آموزش‌ها بیشتر به صورت تئوری برگزار می‌شود در حالی که تئاتر ماهیت و رسالت خود را در کار عملی و پلاتوئی به

دست می‌آورد. متأسفانه دانشجویها آنچه را که به صورت تئوری می‌خوانند به تجربه عملی و نمایشی نمی‌رسانند. من یادم هست زنده یاد دکتر محمد کوثر که استاد ما در دانشگاه هنرهای زیبا بودند، از همان ابتدای سال نمایشنامه‌ای را انتخاب می‌کردند و در حین آموزش، یک نمایش را به صورت عملی به اجرا می‌رساندند و همین باعث می‌شد که دانشجویان در جریان پرورش و تولید یک نمایش به صورت حرفه‌ای و آکادمیک قرار می‌گرفتند. در همین دوره‌ها بود که بزرگان تئاتری چون زنده یاد امین تارخ و سعید پورصمیمی پرورش و تعلیم دیدند. یکی از مهمترین کمبودها در حال حاضر همین است که در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنری ما فرصت و شرایط اجرا برای اساتید ما وجود ندارد. بخش دیگر آسیب‌شناسی تئاتر ایران را باید در این مسئله جستجو کرد که متأسفانه ما از دیدن غافل هستیم و به تماشای نمایش‌های اجرایی نمی‌نشینیم. آقای کرم رضایی یک جمله خیلی خوب در این زمینه داشت که معتقد بود اثر نمایشی بد را هم باید دید چرا که با دیدن یک نمایش بد یاد می‌گیریم که به این شکل نمایش را اجرا نبریم! متأسفانه بیشتر هنرمندان ما خیلی اهل مشاهده آثار دیگران نیستند و اغلب نمایش‌های که اجرا می‌شوند را نمی‌بینند. در حالی که یکی از راه‌های تجربه کردن دیدن است. مخصوصاً فارغ‌التحصیلان این رشته که باید مخاطبین اصلی اجراها باشند چرا که یکی از راه‌های بازسازی خود، تجربه تماشای آثار نمایشی است. دانشجویان و علاقه‌مندان حتی اگر شرایط اجرای یک نمایش ندارند باید جلسات دوره‌های خود را به نمایشنامه خوانی و تحلیل بگذارند. اینها مسائل ریشه‌ای هستند که هنرمندان تئاتر از آن غافل هستند و متأسفانه بدون این استمرار امکان آفرینش و خلق دست نمی‌دهد. فارغ‌التحصیلان با اتمام درس خود در دانشگاه فکر می‌کنند که دیگر برای ورود به این عرصه آمادگی کامل را دارند در حالی که تازه در آغاز مسیری دور و دراز قرار دارند که باید با ممارست آن را طی کنند. البته شرایط

سخت اقتصادی هم بسیار آسیب‌رسان است. صادقانه برای اجرای درو گبر و یک قرص نان اگر حمایت نمی‌شد شرایط اجرای آن را نداشتم. در حال حاضر یک بازیگر فقط برای حضورش در صحنه، حداقل روزانه ۱۰۰ هزار تومان باید کرایه بپردازد و همین‌طور تا اجرا که همه مراحل آن هزینه‌بردار است.

